

تغییر قانون اساسی روسیه و شائبه‌های بازگشت پوتین به رأس قدرت

علی رضا نوری^x

مقدمه

بازگردد و این همان سناریویی است که هنگام انتخاب مدویدیف به آن اشاراتی رفته بود. شایعه‌ها در این خصوص از آنجا آغاز شد که مدویدیف در اولین سخنرانی سالانه خود در مجمع فدرال (جمع مجلسین روسیه) با ارائه طرحی برای تغییر قانون اساسی، خواستار افزایش دوره ریاست جمهوری از ۴ به ۶ سال و دوره نمایندگی دوما از ۴ به ۵ سال شد و این تغییرات را برای افزایش کارآمدی نظام سیاسی، ثبات سیاست‌ها و اجرای مؤثر تصمیمات ضروری دانست.^(۱)

واکنش‌های داخلی

هرچند لایحه مدویدیف به هیچ چیز غیر معمولی اشاره نمی‌کرد، اما به نحو جالب تأملی منابع خبری و تحلیلی آن را تمهیدی زیرکانه برای بازگشت پوتین به رأس قدرت تعبیر و از استعفای قریب‌الوقوع مدویدیف حتی قبل بهار و نامزدی پوتین برای انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری خبر دادند. جالب تأمل‌تر اینکه این شایعه‌ها به حدی جدی بود که در برخی منابع، بحث‌ها نه در خصوص امکان، بلکه پیرامون زمان بازگشت پوتین متمرکز شده بود. این منابع بدون التفات به سایر بندهای این لایحه، از جمله تأکید آن بر افزایش دوره نمایندگی دوما از ۴ به ۵ سال و افزایش اختیارات دوما در برابر رئیس‌جمهور و به جای بحث پیرامون باید و نبایدهای آن، صرفاً بر بندی متمرکز کردند که بر افزایش دوره ریاست جمهوری تأکید داشت. وسعت این شایعه‌ها سیاست‌مداران رده بالا را نیز به واکنش واداشت. هرچند مدویدیف و پوتین هر دو این شائبه‌ها را بی‌اساس دانستند، اما جالب توجه اینکه مدویدیف در اظهارنظری در این خصوص، بر اینکه به طور حتم دوره خود را به اتمام خواهد رساند تأکید نکرد و پوتین نیز با زیرکی ضمن طفره از پاسخ مستقیم، به ذکر این جمله که: «اظهار نظر در خصوص کیستی اولین رئیس‌جمهور شش ساله، هنوز زود است» بسنده کرد. در این بین، گریز لوف، رئیس شورای فدراسیون و حزب عدالت روسیه با رد احتمال استعفاء مدویدیف، بر ماندگاری او تا پایان دوره‌اش تأکید کرد، اما فدوت‌کین، از اعضای حزب کمونیست، با ابراز تردید در خصوص اینکه لایحه رئیس‌جمهور ابتکار شخص وی بوده، آن را سناریویی از پیش طراحی شده برای بازگشت پوتین دانست. میخائیل کاسیانوف (اولین نخست‌وزیر پوتین (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳)) که هم‌اکنون در صف مخالفان او و دولت مدویدیف قرار دارد نیز در اظهارنظری بر احتمال زیاد عملیاتی شدن شائبه‌ها از طریق استعفاء مدویدیف و اعلام انتخابات زودهنگام تأکید کرد.^(۲)

هرچند پوتین در پایان دور دوم ریاست جمهوری خود با عدم پذیرش تغییر قانون اساسی برای انتخاب شدن برای سومین بار، نشان داد که به اصل مهم دموکراسی‌ها یعنی گردش آزاد نخبگان وفادار است، اما روند تحولات از جمله انتخاب مدویدیف به عنوان جانشین، استمرار نفوذگذاری مؤثر او بر روندها در مقام نخست‌وزیر و به ویژه اصلاح قانون اساسی و به تبع آن بروز شائبه‌هایی مبنی بر قصد او برای بازگشت به رأس قدرت اسباب تردید در تعهد او به اصول دموکراتیک شده است.

لایحه تغییر قانون اساسی

پتر کبیر در توصیه‌ای به شاهزادگان روس بر ضرورت توجه آنها به تعیین «جانشین» تأکید کرده بود. هر چند خود وی به این توصیه عمل نکرد، اما این نصیحت در سنت سیاسی اسلاوها ریشه دواند و پس از او تزارها، رهبران شوروی و رؤسای جمهور پس از شوروی به نحوی شایسته‌ای به آن عمل کردند که انتخاب مدویدیف از سوی پوتین، آخرین نمونه از این دست است. به همین واسطه هنگام معرفی مدویدیف به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری، به کارگیری تعبیر «جانشین» به جای «نامزد» برای وی از سوی منابع خبری لفظی غریب تلقی نشد. ماهیت این مسئله، مورد اجماع کلیه تحلیل‌گرانی است که ضمن تأکید بر انتقال «مسئله‌دار» قدرت به مدویدیف جوان و بی‌تجربه، انتخاب وی را به «سیلاویک»‌های کرملین به رهبری پوتین نسبت می‌دهند که در صدد بودند از طریق او و در پوششی قانونی، نفوذ خود بر روندهای سیاسی را تداوم بخشند.

بر این اساس و با عنایت به حضور تعیین‌کننده پوتین در روند سیاست‌گذاری‌ها، بیشتر تحلیل‌ها از تحولات جاری در دوره مدویدیف، نه بر پایه قابلیت‌های او، بلکه بر اساس میزان نفوذ پوتین بر تصمیم‌سازی‌ها، استوار شده است. از این رو تأکید آندرس اسلند که: «دامنه قدرت رئیس‌جمهور سوم را نه قانون اساسی، بلکه پوتین تعیین می‌کند»، پر بیراه نیست و مرور تحولات اخیر به ویژه جنگ پنج روزه در قفقاز جنوبی و اطلاق عنوان «فرمانده جنگ» به پوتین نیز شاهدی بر گرافه نبودن این مدعاها است. اما با وجود گستره وسیع نفوذ پوتین بر روندها، تحولات ماه‌های اخیر گواه آن است که تاب دوری وی از رأس قدرت طاق شده و مایل است به هر نحو مقتضی به این رأس

گمانه‌زنی‌ها پیرامون اهداف پشت‌پرده لایحه تغییرات قانون اساسی در حالی در جریان است که برخی منابع با اسناد به دلایلی بر تدوین این لایحه در دوره ریاست‌جمهوری پوتین اصرار دارند. روزنامه روسی «ویس‌دامست» یک روز پس از سخنرانی مدویدیف، تأکید کرد که لایحه تغییرات در زمان ریاست‌جمهوری پوتین و زیر نظارت شخص وی مهیا شده و طراح اصلی آن نیز ولادیمیر سورکوف، مشاور نزدیک وی بوده که پیش از این نظریه «دموکراسی حاکمیتی» را وضع کرده و گمان می‌رود که هم او طراح سناریوی جانشینی مدویدیف به جای پوتین بوده باشد. به عقیده فرولوف، اینکه دولت در گیرودار بحران اقتصادی و به جای تمرکز بر یافتن برون‌رفتی از این وضعیت اقدام به طرح این لایحه کرده، نشان از آماده بودن آن دارد که اتفاقی یا تعمدی با بحران اقتصادی هم‌زمان شده است.^(۳)

شائبه‌ها در خصوص بازگشت پوتین

تأملی بر چرایی انتخاب مدویدیف از سوی پوتین نیز می‌تواند تأییدی بر این مدعاها باشد. در تب انتخاب جانشین برای پوتین، افزون بر مدویدیف صحبت از ایگور ایوانف سیاست‌مدار متنفذ کرملین و از رهبران طیف سیلاویک‌های دولت پوتین نیز در میان بود. هرچند بیشتر گمانه‌زنی‌ها دلالت بر انتخاب ایوانف به جای پوتین می‌کرد، اما پوتین با انتخاب مدویدیف تعجب همگان را برانگیخت. روند تحولات اخیر نشان از آن دارد که عدم انتخاب ایوانف بی‌دلیل نبوده و پوتین به این سبب به انتخاب مدویدیف نفوذپذیر اقدام کرده که به قدر کفایت بر او تسلط داشته و در موقع مقتضی قادر به برکناری او باشد. درست به همین دلیل او از انتخاب ایوانف امتناع کرده بود، هم از این رو که وی به عنوان نفر دوم طیف «سیلاویک»‌های کرملین (بعد از پوتین) حائز پایگاهی مستحکم در بین نخبگان سیاسی، متنفذترین و محبوب‌ترین سیاست‌مدار روسیه پس از پوتین و در بین مردم نام‌بردار به کارآمدی بود. ایوانوف با این شاخصه‌ها پس از به قدرت رسیدن به جای پوتین به آسانی می‌توانست با یارگیری‌های جدید موقعیت خود را تثبیت کند که نتیجه طبیعی این امر مشکل شدن نفوذگذاری و بازگشت پوتین به قدرت بود، که این مسئله به هیچ وجه مطلوب پوتین نبود.

برگزاری تأمل‌برانگیز برنامه پرسش و پاسخ مستقیم تلوزیونی از سوی پوتین در دوره نخست‌وزیر خود به رسم هشت سال ریاست‌جمهوری وی که طی آن با بیش از ۱۰۰ خط تلفن با شهروندان سراسر روسیه به گفتگو اقدام می‌کرد، دیگر مسئله‌ای بود که به شائبه‌ها بیشتر دامن می‌زد. لئونید سدوف با محل بحث دانستن این اقدام، واقع آن را آغاز مبارزات انتخاباتی از سوی پوتین می‌داند. بر همین اساس به نظر می‌رسد تأکید فلین تاف مبنی بر اینکه؛ «مدویدیف «عروسکی» در دست

«عروسک‌گردان‌های» کرملین است که تنها وظیفه حفظ صندلی ریاست‌جمهوری از گزند مخالفین و آماده نگه‌داشتن آن برای بازگشت پوتین در موقع مقتضی به او محول شده»، به گزافه نبوده و نیست.^(۴)

در خصوص طرح این لایحه هم‌زمان با بحران اقتصادی، نیز فرض بر این است که طراحان سناریوی بازگشت پوتین، با التفات دقیق به بروز این بحران مقطع حاضر را انتخاب کرده‌اند. وجود بحران اقتصادی در روسیه با توجه به وابستگی بیش از ۵۰ درصدی بودجه دولتی این کشور به پترودارها و بسته‌شدن بودجه سال ۲۰۰۸ آن با احتساب نفت بشکه‌ای ۹۵ دلار، در حالی که بهاء جهانی نفت به زیر ۴۵ دلار رسیده و سیر نزولی آن ادامه دارد، بی‌تردید است. این تحولات، با عنایت به تأکید کارشناسان بر اینکه نمود عینی‌تر بحران اقتصادی در روسیه اواسط سال ۲۰۰۹ میلادی رخ خواهد نمود، خبر از سالی سخت برای این کشور دارد. با این ملاحظه به اعتقاد برخی از جمله جیمز بیدل؛ «پوتین با بازگشت به قدرت می‌خواهد اثبات کند که تنها هم‌اوست که توان کنترل امور را دارد و در مقام نجات‌بخش مردم می‌تواند روسیه را از بحران رهایی بخشد» و به تأکید لیژکوف؛ «پوتین قصد دارد با در اختیار گرفتن کنترل کامل امور، توجیهی منطقی برای بازگشت به قدرت بیابد». در سوی مقابل موفقیت مدویدیف به گذار از بحران اقتصادی به معنی تقویت جایگاه سیاسی او و هم‌زمان کاهش نفوذ پوتین و مشکل شدن بازگشت او به قدرت خواهد بود.

فرآیند سریع تصویب این لایحه در مجلسین روسیه نیز تأمل‌برانگیز است. بر اساس قرائن موجود کمیته قانون اساسی دوما برای بحث و تأیید این لایحه تنها ۶ دقیقه صرف کرد و هرچند دوما حسب قانون برای بررسی آن دو ماه فرصت داشت، اما در کمتر از دو هفته، در هر چهار دور رأی‌گیری خود این لایحه را به تصویب رساند. نمایندگان فراکسیون حزب کمونیست که جدی‌ترین مخالفین این لایحه بودند و با تأیید شایعه‌ها، آن را تمهیدی برای بازگشت پوتین می‌دانستند، تنها موفق به اصلاحات جزئی در آن شدند. شورای فدراسیون نیز در مدت کوتاهی در هر سه دور رأی‌گیری خود این لایحه را به تصویب رساند که با این روند به نظر می‌رسد تصویب نهایی این تغییرات که مستلزم تأیید دو سوم مجالس محلی است، در آینده نزدیک صورت عملی به خود بگیرد و زمینه برای توسعه اختیارات رئیس‌جمهور فراهم شود.^(۵)

جمع‌بندی:

هرچند گمان بر این بود که انتقال آرام قدرت از پوتین به مدویدیف دموکراسی را در روسیه یک گام به پیش برده، اما واقع امور گواه آن است که اصل مهم دموکراسی‌ها یعنی انتقال قدرت در این کشور همچنان

«مسئله‌دار» است و با التفات به احتمال عملی شدن بازگشت پوتین به رأس قدرت که بیش از رسانه‌های خارجی در داخل روسیه در به آن دامن زده می‌شود، به نظر می‌رسد روسیه تا دموکراسی واقعی راه درازی در پیش دارد. حتی اگر پوتین به حضور در مقام نخست‌وزیر نیز بسنده کند، روندهای حاکی از آن است که باید وی را رئیس‌جمهور واقعی و تصمیم‌ساز اصلی روسیه به ویژه در امور راهبردی و از جمله در سیاست خارجی دانست. با این ملاحظه، هرچند مدویدیف تأکید کرده که به اندیشه «دموکراسی حاکمیتی» ابداعی از سوی ولادیسلاو سورکوف که با هدف مختصرسازی دموکراسی به نفع حاکمیت ملی ابداع شد، اعتقاد ندارد، اما به نظر نمی‌رسد که او در تثبیت آنچه «دموکراسی بدون قیود وصفی» می‌خواند موفق باشد و بتواند استقلال خود را در مقابل پوتین و طیف متنفذ سیلاویک‌های کرملین حفظ کند.

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای و پژوهشگر مؤسسه مطالعاتی ایراس

منابع و مآخذ

1. Олег Зегонов, "Медведев Предложил Изменить Конституцию", **infox.ru**, 5 Ноября 2008 from <http://www.infox.ru/authority/state/2008/11/05/document2460.phtml>
2. "Поправки в Конституцию об Увеличении Срока Полномочий Президента и Депутатов до Шести и Пяти Лет Соответственно Рассмотрит Сегодня в Первом Чтении Госдума", **ПРАЙМ-ТАСС**, 14 Декабрь 2008 from <http://www.prime-tass.ru/news/show.asp?id=837322&ct=news>
3. Лиза Сайфер, "Медведев Внес Законопроекты об Увеличении Срока Полномочий Президента", **Utro.ru**, 11 Ноября 2008 form <http://www.utro.ru/articles/2008/11/11/780412.shtml>
4. Анна Мамонова, "Медведев нашел в России две беды", № 209(850), **СЕЙЧАС**, 6 Декабрь 2008 from <http://times.liga.net/articles/g014337.html>
5. Александр Михайлов, "Конституция в Современном Прочтении", **Российская Газета**, 21 Января 2009 form <http://www.rg.ru/2009/01/21/konstitucia-popravki.html>